

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم صل على محمد وآل محمد واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

ابلاغكم رسالات ربي وانا لكم ناصح امين

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داده فرصتی را در جمع شما فضیلاى بزرگوار شهرستان اردکان باشم.

از دوستانی که باعث و بانی این نشست بودند سپاسگزارم علی الله اجرهم و لله درهم

از خدای بزرگ هم استمداد می طلبیم که در این فرصت کوتاه آن چه صلاح ما است بر ذهن و زبان ما جاری شود.

منطقه اردکان منطقه با ظرفیتی است و اگر حجاب معاصرت اجازه دهد مشخص می کند که الان هم ظرفیتهای بالقوه و بالفعل زیادی ما در این منطقه داریم.

لذا به قرآن تافل زدم و گفتم هر چه قرآن بگوید من همان را بیان میکنم.

آیه ای که خواندم آیه 68 سوره اعراف ادامه بیان جناب هود علیه السلام است ایشان به قوم عاد مطالبی را بیان می کند اول صفحه این است:

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی آمینم.

موضوع بحث ما رسالت روحانیت در دوران معاصر است ؛

من و شما روحانی هستیم روحانی به رسالتش تعریف می شود.

در حالی که دیگر صنوف و رده های شغلی این گونه نیستند و به رسالتشان تعریف نمی شوند.

من نکاتی محضر شما عرض می کنم

برای روحانی و طلبه مقاماتی تعریف شده است

مقاماتی که به تعبیر بنده برخی از بزرگان ما نتوانستند هضمش کنند.

مثلا روایتی که رسول خدا می فرمایند :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

أَلَا أَعَدُّكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغِيبُ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمْ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ - وَ يُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا هَذَا حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ - فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ.

رسول خدا فرمود: آیا آگاه کنم شما را از گروهی که نه از انبیا هستند و نه از شهدا، ولی انبیا و شهدا در روز قیامت به مقام و منزلت آنان غبطه می‌خورند، و آنها بر منبرهایی از نور نشسته‌اند؟ سؤال شد: ای رسول خدا! آنان کیانند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می‌کنند و خدا را نزد بندگانش محبوب می‌گردانند، عرض کردیم: ایجاد محبت خدا در دلها معلوم است، ولی چگونه بندگان را نزد خدا محبوب می‌گردانند؟ فرمود: آنها را فرمان می‌دهد به آنچه خدا دوست می‌دارد، و باز می‌دارد آنان را از آنچه خدا دوست نمی‌دارد، و هرگاه آنها را اطاعت کردند خداوند دوستشان دارد.

جناب آقای طباطبائی در حاشیه بر بحار می‌فرماید:

ایشان می‌فرماید مگر میشود جمعیتی بیایند که انبیا غبطه آنان را بخورند؟

غبطه به این شکل است که مورد غبطه مقامی دارد که شخص غبطه خورنده می‌گوید خدایا به این شخص این مقام را دادی به من هم بده!

ایشان برای توجیه و تفسیر این کلمه «یغبطهم» می‌آید و در این کلمه تصرف می‌کند و می‌گوید: منظور از غبطه خوردن یعنی شاد شدن این که روایت می‌گوید انبیا و شهدا غبطه می‌خورند یعنی شاد می‌شوند.

من قبول دارم ایشان انسان بزرگی است اما بر اساس چه مبنایی ما این طور تفسیر کنیم؟

ما نیاز به سوبسید دادن نداریم؛ آیا ممکن است یک مبلغ دین اسلام، مقامی داشته باشد که روز قیامت بالاتر از مقام انبیا باشد؟!

بله انبیا معصوم اند به آن‌ها وحی می‌شود و جناب جبرائیل بر آنان نازل می‌شود اما مقامات حیثی است اگر کسی مبلغ دین اشمال و اکمل هست ممکن است از برخی انبیا بالاتر باشد. البته حساب اولوا العزم جدا است. و ممکن است با تمام مقامی که حضرت هود، لوط و نوح سلام الله علیهم اجمعین دارند یک عالم از لحاظ مقامی از این بزرگواران جلو بزند. جالب است بدانید تمام این مقامات برای عالم بیان شده است.

تمام این مقامات مربوط به فضل درسی نیست؛ ولو الان خواهم گفت دانستن آن هم چقدر لازم است این فضل مربوط به تفسیر و کلام و فقه هم نیست. و لو تمام اینها هم ارزش و هم لازم است؛ حتی این مقامات مربوط به نماز شب و عبادات هم نیست. از ادله این گونه برداشت می‌شود که این مقامات مربوط به بعد تبلیغی عالم است. اگر جناب هود، هود است مربوط به نماز نیست مربوط به روزه هم نیست مربوط به ابلغکم رسالات ربی است لذا شان تبلیغ را کم نگیرید.

جناب آقای ممدوحی در رابطه با مدرسه حجتیه می فرمودند: سال 33 یا 34 یا 43 و 44 توصیفی از این مدرسه می کند که قابل باور نیست. مجموعاً این که با این که شرایط مناسب نبود، ولی طلبه ها کار می کردند و درس می خواندند.

عظمت تبلیغ این است که رسالتی را بر دوش من و شما می گذارد. من این جا یادداشت کردم سه نکته را در عرض چند دقیقه این چند نکته را بگویم:

آن چه ما نیاز داریم آشنایی با مجموعه دین است.

ما امروزه کسانی داریم که تمامی رسانه ها در اختیار دارند اما با مجموعه دین آشنا نیستند. یعنی دین را در یک نظام حلقوی و هرمی ندیدند.

تعیری هست اجتهاد بالمعنی الاعم و اجتهاد بالمعنی الاخص

آیا نباید یک مجتهد دین را در کنار عقل ببیند؟

من برای نوشتن فقه و عقل، درگیر شدم با بخشی از بدنه حوزه .

عده ای هستند که با عقل مشکل دارند.

مگر نداریم ان دین الله لا یصاب الا بالعقول

باید دین را در کنار عقل در نظر گرفت

این را کسی می گوید که از حس نه از حدس صحبت می کند

یکی از مشکلات بشر امروز این است که می خواهد دین را فارغ از وحی فهم کند یا جهان را فارغ از وحی فهم کند و یا بر عکس ما بخواهیم دین را فارغ از عقل فهم کنیم هر دو اشکال دارد.

باید دین را کامل فهمید ما نباید سراغ خواب یا خرافه برویم .

نکته دوم که یادداشت کردم عرض کنم این است که ببینید جناب هود چه فرمود و انا لکم ناصح امین

ازاین تعبیر ناصح امین ما هم صداقت را می فهمیم و هم امانت را .

امانت و صداقت و سلیقه امروزه مبلغ دین باید این سه ویژگی را داشته باشد.

دنیا نیازمند صداقت و امانت و سلیقه مبلغ دین است.

شما فکر کردید امام رضا علیه السلام شوخی کردند که فرمودند:

فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا

اگر مردم زیبایی های گفتار ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند.

• خوش سلیقگی از جمله ابزارهای یک مبلغ

معتقدم هستی حق دارد و ما باید به این حق هستی احترام بگذاریم تعبیری که بنده در یک جلسه با کشیشان امریکایی به کار بردم و برای آن ها هم جالب بود و تحسین کردند؛ در تایید این تعبیر داستانی است مبنی بر این که رسول خدا وقتی کنار جبل احد رد می شوند می فرمایند جبل یحنا و نحبه. و این دوست داشتن طبیعت در واقع یک نوع حق هستی است که برگردن ما است و ما باید نسبت به آن آگاه باشیم.

منظور از بیان این قضیه بحث سلیقه است و یک مبلغ باید سلیقه باشد و از تمام ظرفیتهای باید استفاده کرد این که جناب هود دست می گذارد روی تعبیر صداقت یا امانت این ها باید برای یک مبلغ نکته داشته باشد و همچنین قابل تامل باشد.

نقل شده عده ای از مردم یزد خطاب به آشیخ عبدالکریم نامه ای نوشتند که ما مبلغی می خواهیم که باسواد باشد با تقوا و با سلیقه.

اگر پیدا نشد با تقوا باشد و با سلیقه

اگر پیدا نشد با سلیقه باشد. این داستان نشاندهنده اهمیت سلیقه برای یک مبلغ دین است از نظر مردم یک شهر

• همچون چراغ تابانی باشیم که متصل به منبع اصلی است

مطلبی را میخوام بیان کنم و آن این که من و شما مثل این لامپ هستیم و باید با آن مولد نور در ارتباط باشیم. تا روشنائی داشته باشیم و الا خاموشیم مولد نور ما امام زمان ما است. البته خود امام زمان هم نور خود را از خداوند می گیرد ما یک نور بیشتر نداریم.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گوی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست.

ذیل آیه ذیل امام می فرمایند نور خدا به امام و از امام به عالم و از عالم به مردم می رسد.

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيًّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ

و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن ها برکت نهادیم، آبادی های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیر و سفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرر داشتیم، [و گفتیم:] شب ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید.

لذا پیشنهاد میدهم که با امام زمان ارتباط داشته باشیم و ارتباط ما با امام زمان دو رکعت نمازی است که برای امام می خوانیم و سعی کنیم روزانه دو رکعت نماز برای سلامتی امام بخوانیم. وقتی ما برای امام دو رکعت نماز می خوانیم طبعا امام هم به یاد همان طلبه خواهند بود و دعا خواهند کرد.

انشا الله خداوند ما را جزء عالمان دین محشور فرماید در روزی که انبیا و عالمان و بقیه می آیند و همچنین جزء مبلغان دین.

مجددا تشکر می کنم از کسانی که باعث و بانی این نشست محترم بودند.